

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول

کلیات، تعاریف و مفاهیم

2	1-1. تعریف مسأله
3	2-1. ضرورت انجام تحقیق
3	3-1. سؤال‌های اصلی تحقیق
3	4-1. فرضیه‌های تحقیق
4	5-1. هدف‌های اصلی تحقیق
4	6-1. تاریخچه
5	7-1. روش انجام تحقیق
5	8-1. تعریف مفاهیم
5	1-8-1. اسطوره
7	2-8-1. حماسه
8	1-2-8-1. انواع حماسه
11	2-2-8-1. ویژگی‌های حماسه
13	3-2-8-1. ویژگی‌های سبکی حماسه
13	3-8-1. حماسه و اسطوره
14	4-8-1. حماسه و تراژدی
14	5-8-1. کهن‌الگو
15	6-8-1. موضوع
15	7-8-1. درونمایه
15	8-8-1. موتیف (بن‌مایه)
16	9-8-1. ارتباط بن‌مایه با موضوع و درونمایه
17	10-8-1. نماد

فصل دوم

حماسه‌سرایی در ایران و قرقیزستان

19	1-2. نگاهی کوتاه به روابط فرهنگی آسیای میانه و ایران
32	2-2. دلیل پیدایش شاهنامه در ایران و ماناس در قرقیزستان
34	3-2. سابقهٔ ایرانیان در آثار حماسی
36	4-2. سرچشمه‌های شاهنامهٔ فردوسی

- 36.....1-4-2. آثار مکتوب
- 36.....1-1-4-2. منابع پیش از اوستا و ظهور آیین زرتشتی
- 37.....2-1-4-2. کتاب مذهبی اوستا و منابع حماسی پس از اوستا
- 39.....3-1-4-2. کتاب‌های تاریخی رسمی و منابع حماسی ملی در ادبیات پهلوی
- 40.....4-1-4-2. اسطوره‌های ملت‌های دیگر
- 42.....5-1-4-2. آثار تاریخی و داستانی
- 43.....6-1-4-2. کتاب‌های دینی پهلوی
- 44.....2-4-2. روایت‌های شفاهی
- 44.....1-2-4-2. دهقانان و موبدان
- 45.....2-2-4-2. بدیهه‌سرایان، گوسان‌ها و خنیاگران
- 50.....5-2. سرچشمه‌های ماناس
- 50.....1-5-2. ماناس و فرهنگ عامه قرقیزی
- 54.....2-5-2. شاعران بدیهه‌سرا و ماناسچی‌ها
- 60.....6-2. اهمیت جهانی شاهنامه
- 62.....7-2. اهمیت جهانی ماناس
- 65.....8-2. زمینه تاریخی شکل‌گیری شاهنامه
- 66.....9-2. زمان شکل‌گیری و تکامل ماناس
- 70.....10-2. ویژگی‌های عمده دو حماسه
- 77.....11-2. ویژگی‌های فنی دو حماسه
- 78.....1-11-2. صور خیال
- 78.....1-1-11-2. اغراق
- 80.....2-1-11-2. تشبیه
- 81.....3-1-11-2. وزن و موسیقی شعر
- 84.....12-2. ویژگی‌های داستانی شاهنامه و ماناس
- 84.....1-12-2. طرح یا پیرنگ
- 86.....2-12-2. لحن داستان
- 87.....3-12-2. صحنه‌پردازی
- 88.....4-12-2. شخصیت‌پردازی
- 90.....5-12-2. ابهام زمان و مکان
- 99.....13-2. فهرست مضامین دو حماسه
- 103.....14-2. خلاصه‌ای از ماناس

فصل سوم

بررسی ساختارهای دو حماسه

- 107.....1-3. اسطوره‌ها
- 107.....1-1-3. آفرینش

- 113.....2-1-3. ایزد- بانو مادر
- 115.....3-1-3. پدرآسمان و مادر زمین
- 116.....4-1-3. اسطوره نخستین انسان
- 118.....5-1-3. اسطوره پایان جهان
- 121.....6-1-3. اسطوره کیخسرو
- 122.....7-1-3. اسطوره دیو
- 125.....8-1-3. اسطوره سیمرغ
- 127.....**2-3. کهن‌الگوها**
- 127.....1-2-3. مرگ و تولد دوباره
- 130.....2-2-3. بی‌مرگی و جاودانگی (آب حیات)
- 133.....3-2-3. رویین‌تنی
- 138.....4-2-3. فرّه ایزدی
- 140.....5-2-3. گذر از آب
- 143.....6-2-3. گذر از آتش
- 145.....7-2-3. نبرد با دیوان
- 149.....8-2-3. اژدهاکشی
- 153.....9-2-3. هفت‌خوان
- 154.....10-2-3. پدرکشی
- 155.....11-2-3. فرزندکشی
- 157.....12-2-3. برادرکشی
- 159.....13-2-3. کهن‌الگوی زن
- 159.....1-13-2-3. زن پاکدامن و سازنده
- 165.....2-13-2-3. ناپارسایی و ویرانگری زن
- 167.....3-13-2-3. بانوی پهلوان و دلاور
- 175.....4-13-2-3. زن در فرماندهی
- 177.....14-2-3. پیر خرد (پیر فرزانه)
- 178.....**3-3. بررسی مضامین و بن‌مایه‌های دو حماسه**
- 180.....1-3-3. بی‌فرزندی
- 183.....2-3-3. مورد طعن و مذمت قرار گرفتن والدین بی‌فرزند
- 184.....3-3-3. دعا و نذر و نیاز در راه بچه‌دار شدن
- 186.....4-3-3. خون در مشمت متولد شدن
- 187.....5-3-3. نیروی شگفت‌انگیز قهرمان
- 190.....6-3-3. رشد شگفت‌انگیز قهرمان
- 191.....7-3-3. کودکان رانده شده
- 193.....8-3-3. پرورش قهرمان توسط حیوانات
- 195.....9-3-3. کشتن حیوان شیرده
- 196.....10-3-3. نخستین دلاوری‌های قهرمان

197	11-3-3. پادشاهی کودک
198	12-3-3. پناهندگی پسر از سوء رفتار پدر به بیگانه
199	13-3-3. زادن همزمان اسب و سوار
200	14-3-3. دوستی میان پهلوان و اسب او
205	15-3-3. عمر طولانی
206	16-3-3. خرد پلید
207	17-3-3. جنگ و اختلاف
210	18-3-3. مکر و نیرنگ
211	19-3-3. پیمان شکنی
212	20-3-3. زندانی شدن پهلوان در دربار دشمن
212	21-3-3. عاشق شدن از راه گوش
213	22-3-3. عاشق شدن از نخستین نگاه
215	23-3-3. نبرد تن به تن عروس و داماد
217	4-3. بررسی درونمایه‌ها
217	1-4-3. جدال خیر و شر
220	2-4-3. وطن دوستی
221	3-4-3. کشورداری
223	4-4-3. کین خواهی
226	5-4-3. صلح و انسان دوستی
229	6-4-3. پاسداشت خرد
232	5-3. بررسی نمادها
۲۳۲	1-5-3. نمادهای ساختاری نیکو
۲۳۶	2-5-3. نمادهای ساختاری بدکار
۲۳۷	3-5-3. عناصر نمادین تصویری
۲۳۷	1-3-5-3. عناصر طبیعت
۲۳۷	آسمان
۲۳۹	زمین
۲۴۱	خورشید
۲۴۴	ماه
۲۴۶	ستارگان
۲۵۰	کوه
۲۵۲	آب
۲۵۵	آتش
۲۵۹	خاک
۲۶۲	2-3-5-3. اعداد

۲۶۷.....	4-5-3. عناصر نمادین گیاهی
۲۶۷.....	1-4-5-3. درخت کیهان
۲۷۲.....	2-4-5-3. دگرگونی انسان به گیاه
۲۷۵.....	3-4-5-3. درخت زندگانی و درخت مقدس
۲۷۸.....	4-4-5-3. درختان گویا
۲۷۸.....	5-4-5-3. درختان معجزه‌گرو شفابخش
۲۸۰.....	5-5-3. عناصر نمادین حیوانات
۲۸۰.....	1-5-5-3. نمادهای آرمانی
۲۸۰.....	اسب و جایگاه آن در اساطیر و حماسه
۲۹۴.....	شتر
۲۹۵.....	سگ شکاری
۲۹۸.....	گاو، گرگ و گوسفند کوهی
۳۰۰.....	2-5-5-3. نمادهای شرّ و گمراه‌کننده
۳۰۰.....	پریان
۳۰۵.....	اژدها
۳۱۲.....	اهریمن
۳۱۷.....	دیوان
۳۲۷.....	6-5-3. عناصر نمادین ماوراءطبیعی
۳۲۷.....	1-6-5-3. سیمرغ
۳۳۴.....	2-6-5-3. سروش
۳۳۶.....	3-6-5-3. هوم
۳۳۷.....	7-5-3. عناصر حیوانات شگفت‌انگیز
۳۳۷.....	1-7-5-3. گوش بستران
۳۴۰.....	2-7-5-3. برهنه‌تنان
۳۴۱.....	3-7-5-3. سگساران
۳۴۳.....	4-7-5-3. ماهی کوه پیکر
۳۴۴.....	8-5-3. کاربردهای نمادین ابزارها
۳۴۴.....	1-8-5-3. ابزارهای جنگی و سلاح‌ها
۳۵۲.....	2-8-5-3. زره و جامهٔ جنگی
۳۵۶.....	6-3. آیین و رسوم
۳۵۶.....	1-6-3. ازدواج برون مرزی
۳۵۹.....	2-6-3. نامگذاری
۳۶۲.....	3-6-3. آیین سوگواری

۳۶۵	4-6-3. بریدن گوش و بینی
۳۶۶	5-6-3. برخی رسوم پهلوانی
۳۶۶	1-5-6-3. جستجو و انتخاب اسب
۳۶۹	2-5-6-3. بسیار خواری
۳۷۰	3-5-6-3. خون آشامی
۳۷۱	4-5-6-3. رجز خوانی
۳۷۴	5-5-6-3. فن کمر بندگیری
۳۷۵	7-3. باورها
۳۷۵	1-6-3. پیشگویی
376	1-1-6-3. اخترشناسی
377	2-1-6-3. پیشگویی‌های ماوراءطبیعی
380	3-1-6-3. خواب و خوابگزاری
384	4-1-6-3. جادوگری و افسونگری
۳۹۲	8-3. جشن‌ها و بازی‌ها
۳۹۲	1-8-3. نوروز
۳۹۴	2-8-3. بازی چوگان

فصل چهارم

۳۹۷	1-4. تشابهات دو حماسه
۳۹۹	1-1-4. جهان‌بینی هندواروپایی
۴۰۰	1-1-1-4. نظریه سه‌کنش
۴۱۴	2-1-1-4. توتمیسم
۴۱۸	3-1-1-4. آنمیسم و بزرگداشت نیاکان
۴۲۰	4-1-1-4. فتیشیزم
۴۲۴	5-1-1-4. شمنیسم
۴۳۵	2-1-4. عناصر اسلامی
۴۴۴	1-2-1-4. تحلیل چند داستان مشابه شاهنامه و ماناس
۴۴۶	2-4. تمایزات دو حماسه
۴۵۳	3-4. نتیجه‌گیری
۴۶۰	کتاب‌نامه
۴۷۸	چکیده انگلیسی

فصل اول

کلیات، تعاریف و مفاهیم

1-1. تعریف مسأله

تاریخ ادبیات جهان بیانگر این است که ادبیات ملل همجوار در مراحل گوناگون توسعه و رشد خویش به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. ادبیات تطبیقی در پی آن است که چگونگی این تأثیر و تأثرها را کشف کند و وجوه اشتراک و تفاوت آنها را از جنبه‌های مختلف چون محتوا، شخصیت، بن‌مایه، درونمایه، شیوه زندگی و طرز تفکر آشکار سازد. از آنجا که ملت‌های همجوار تشابهات و تمایزات فرهنگی بسیار با یکدیگر دارند، بررسی تطبیقی ادبیات ملل، ما را در شناخت بهتر آنها یاری می‌کند.

ایران و قرقیزستان نیز دو کشور همجوارند که اشتراکات و افتراقات فرهنگی بسیار دارند. یکی از نمونه‌های قابل بررسی در روابط تاریخی فرهنگی و ادبی مردم ایران و قرقیزستان، بررسی تطبیقی حماسه‌های *شاهنامه* و *ماناس* است که آبخورهای تاریخی - فرهنگی مشترک فراوانی دارند. حماسه پهلوانی *ماناس* علاوه بر اینکه اثر ارزشمند حماسی در گنجینه ادبیات جهان است، دایره‌المعارف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ملت قرقیز محسوب می‌شود. *شاهنامه* فردوسی نیز به عنوان ارزنده‌ترین شاهکار جاودانه فرهنگ و تمدن ایرانی که اطلاعات ذی‌قیمتی درباره جنبه‌های گوناگون معیشتی طبقات مختلف جامعه، از پادشاهان گرفته تا مردم عادی را دربر دارد و در فرهنگ و زندگی معنوی مردم آسیای میانه جایگاه ویژه‌ای دارد. قرقیزها به دلیل مشترکات فرهنگی، سیاسی، دینی، تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی با ایرانیان، احترام و اهمیت ویژه‌ای برای *شاهنامه* قائل هستند. بی‌دلیل نیست که در حماسه *ماناس* بسیاری از بن‌مایه‌ها و درونمایه‌ها چون عشق به وطن، رفتار احترام‌آمیز به افراد، اخلاق والای انسانی، صداقت، جوانمردی و وطن‌دوستی که در *شاهنامه* موجود است، مجسم می‌شود. بررسی این دو حماسه به ما امکان می‌دهد تا به پرسش‌های بسیاری درباره تاریخ ایرانیان و

قرقیزها که خود سازنده این آثار ارزشمند هستند، پاسخ دهیم و وجوه نادیده اشتراکات و تفاوت‌های میان آنها را در یابیم.

2-1. ضرورت انجام تحقیق

فردوسی‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی در تمام جهان و به‌ویژه در ایران فعالیت‌های گسترده و دیرینه است. اما آوازه حماسه *ماناس* نیز به تمام دنیا رسیده است، هرچند در ایران اطلاعات کمی درباره آن موجود است. بنابراین، تحقیق در این زمینه، ضروری است تا از این طریق، هرچه بیشتر ویژگی‌های گسترش و رشد زندگی معنوی و فرهنگی ایرانیان و قرقیزها روشن شود. این تحقیق سابقه ظهور حماسه قهرمانی *ماناس* و مراحل تحولات آن را بیان می‌کند تا چگونگی تأثیر شاهنامه را بر آن آشکار سازد. پژوهش در این زمینه راهی نو در پژوهش‌های تطبیقی ادبیات حماسی ایران و قرقیزستان را خواهد گشود و چشم‌اندازهای جدیدی را در حوزه تعامل فرهنگی میان دو ملت نمایان خواهد کرد.

3-1. سؤال‌های اصلی تحقیق

1. زمینه‌ها، عوامل و سرچشمه‌های دو حماسه کدام است؟
2. چه شباهت‌های عمده‌ای بین شاهنامه و *ماناس* وجود دارد؟
3. چه تفاوت‌های عمده‌ای بین شاهنامه و *ماناس* وجود دارد؟
4. بازتاب آثار اساطیری هندوایرانی در *ماناس* چگونه بیان شده است؟

4-1. فرضیه‌های تحقیق

1. هر دو حماسه از داستان‌های اساطیری هندواروپایی، داستان‌های پهلوانی و داستان‌های تاریخی دو ملت سرچشمه گرفته‌اند؛
2. شاهنامه و *ماناس* از حیث محتوا، بن‌مایه‌ها، شخصیت‌ها و باورها شباهت دارند؛

3. تفاوت عمده، مأخذ و منبع این دو اثر است. *ماناس* محصول روایت‌های شفاهی است؛ اما *شاهنامه* علاوه بر روایت‌های شفاهی از منابع مکتوب نیز استفاده کرده است؛
4. ساختارهای اساطیر هندوایرانی از جمله تقابل خیر و شر، خدایان اساطیری، نیروهای فوق بشری و اعمال خارق‌العاده و به طور کلی عناصر سازنده اساطیری و حماسی در *ماناس* نیز وارد شده است.

5-1. هدف‌های اصلی تحقیق

1. معرفی جایگاه واقعی حماسه *ماناس* به جامعه ادبی ایران؛
2. مشخص کردن جایگاه و اهمیت *شاهنامه* فردوسی به جامعه ادبی قرقیزستان؛
3. آشکار ساختن جنبه‌های تأثیر و نفوذ *شاهنامه* و *ماناس* در زندگی معنوی و فرهنگی دو ملت؛
4. تبیین مشترکات ادبی و فرهنگی ایران و قرقیزستان؛
5. تبیین وجوه مشترک و تفاوت دو حماسه؛
6. تبیین بن‌مایه‌ها و موضوعات مشترک دو حماسه.

6-1. تاریخچه

تحقیقات فراوانی در مورد این دو حماسه به صورت جداگانه انجام گرفته و در برخی از مقالات غیرایرانی و کتاب‌ها به طور گذرا به تأثیر *شاهنامه* بر *ماناس* اشاره شده است؛ به طور مثال به مقاله‌های *افسانه ماناس، یادگاری از فرهنگ قرقیزها در فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز* (عبدالقادر، 1372: 33-56)، *افسانه ماناس و پان‌ترکیسم نوشته الف صلاح‌الدین، (صلاح‌الدین، 1374: 3، 14)* می‌توان اشاره کرد؛ اما به طور جامع و دقیق در هیچ‌یک از منابع و آثار موجود به مقایسه تطبیقی دو حماسه پرداخته نشده است. *ماناس* به زبان‌های گوناگون جهان ترجمه شده است؛ اما ترجمه کامل متن *ماناس* به زبان فارسی وجود ندارد و تنها بخشی از آن به کوشش اسلم ادهم و میرزا شکور زاده به زبان فارسی ترجمه شده است.

7-1. روش انجام تحقیق

این تحقیق، توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی است و مطالب آن تا حد امکان با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و امکانات نرم‌افزاری رایانه‌ای و اینترنتی گردآوری می‌شود. در این تحقیق به تاریخچه و منشأ پیدایش حماسهٔ ماناس و شاهنامه خواهیم پرداخت، و ضمن آن به ویژگی‌های محتوای و ادبی این دو اثر اشاره خواهد شد. جایگاه این دو حماسه در ادبیات جهان اشاره خواهد شد، و در نهایت تأثیر شاهنامه بر حماسهٔ ماناس مقایسهٔ تطبیقی آنها از حیث محتوا و مضمون، شخصیت و درونمایه‌ها پرداخته خواهد شد.

8-1. تعریف مفاهیم

از آنجا که دو متن مورد مقایسه، متونی حماسی، اسطوره‌ای، تاریخی و نیز تراژدی است، ضرورت تعریف و شناخت پاره‌ای مفاهیم مرتبط با موضوع، ضرورت دارد.

1-8-1. اسطوره

ادبیات شفاهی، بازتاب فرهنگ و جهان‌بینی مردم در سراسر جهان است. اسطوره‌شناسی نیز بخشی از مردم‌شناسی فرهنگی است که به بررسی و یافتن قالب‌های عمومی رفتارهای انسان در همهٔ ابعاد آن می‌پردازد و می‌کوشد توجیهی عمومی از این پدیدهٔ اجتماعی - فرهنگی به دست دهد. اسطوره‌ها، روایاتی از رفتار فوق‌العادهٔ انسان‌ها یا موجوداتی آرمانی هستند که هرچند زادهٔ تخیل افراد یا اقوام بوده، خود از حوادث تاریخی و واقعی که در بستر زمان تغییر شکل یافته است، سرچشمه گرفته‌اند.

دربارهٔ اسطوره واژهٔ اروپایی برابر با آن mith در انگلیسی و mythe در فرانسوی و myth-e در آلمانی از واژهٔ یونانی mythos به معنای «شرح»، «قصه» و «خبر» برگرفته شده است؛ هم‌چنین

اسطوره با واژه یونانی Historia به معنی «پژوهش»، «دانش و علم»، «شرح نوشتاری پژوهش‌ها»، «گزارش»، «روایت» و «تاریخ رویدادها» نیز هم‌ریشه است (ر.ک. احمدی، 1387: 3).

کارل گوستاو یونگ¹ اسطوره را بازتاب ضمیر ناخودآگاه انسان‌ها می‌داند و معتقد است: «اسطوره بیان نمادین بعضی نیازهای روانی اصلی چون وحدت، سازگاری و آزادی است... و به خودی خود واسطه‌ای است مهم تا شخص را در زمینه تجارب شخصی و گروهی به دیدگاهی یگانه در مورد معنای زندگی انسان برساند» (بهار، 1378: 361). اکثر اسطوره‌پژوهانی که تعریفی از اسطوره به دست داده‌اند به مسأله روایت در اسطوره نیز اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه میرچا الیاده در تعریف اسطوره می‌نویسد: «اسطوره، روایتگر تاریخ مقدس است...» (الیاده، 2002: 11). نورترپ² فرای³ در اثر خود کالبدشکافی نقد، اسطوره را با ادبیات یکسان دیده، می‌گوید که «اسطوره اصل ساختاری و سازماندهی شکل ادبی است» (گرین و دیگران، 1385: 167).

به نظر پژوهشگر ایرانی مهرداد بهار «اساطیر مجموعه‌ای از تأثیرات متقابل عوامل اجتماعی انسانی و طبیعی که از صافی روان می‌گذرد، با نیازهای متنوع روانی - اجتماعی ما هماهنگ می‌شود و همراه با آیین‌های مناسب خود ظاهر می‌شود، و هدف آن مآلاً پدید آوردن سازشی بین انسان و پیچیدگی‌های روانی او با طبیعت پیرومون خویش است» (بهار، 1378: 411). بهمن سرکاراتی چنین می‌گوید: «اسطوره پنداشت‌های مشترک قوم و جماعتی است در دورانی معین درباره هستی و گیتی، مرد (انسان)، خویش و بیگانه و آفاق و انفس که به شکل داستان بازگو شده است...» (آیدنلو، 1386: 15-16، به نقل از بهمن سرکاراتی، «اسطوره‌های عصر ما را آیندگان خواهند خواند»، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره 3، 85). ولادیمیر پراپ³ می‌گوید: «اسطوره به عنوان نمونه‌ای از تفکر بدوی داستانی

¹ "Karl Gustav Yung" (1875-1961م)، فیلسوف و پایه‌گذار روان‌شناسی سوییسی

² "Herman Northrop Frye" (1912-1991م)، فیلسوف و اسطوره‌شناس کانادایی

³ "Vladimir Propp" (1895-1970م)، دانشمند، زبان‌شناس و تبارشناس بزرگ روسیه

درباره خدایان یا موجودات الوهی است که مردم به حقیقی بودن آن داستان اعتقاد دارند و این اعتقاد دارای عامل روان‌شناختی نیست، بلکه تاریخی است» (پراپ، 1998: 130-123).

2-8-1. حماسه

«حماسه» واژه عربی باستان از ریشه «حَمَس» به معنی «شدت در کار» است؛ اما به تدریج معنای «شجاعت» بدان افزوده شده است، «زیرا مرد شجاع در هنگام نبرد در عین شدت و درشتی با دشمن برابری می‌کند» (صفا، 1384: 16). برابر حماسه در عربی واژه «ملحمه» است. ملحمه از ریشه «لحم» به معنی «قطعه قطعه کردن گوشت بدن با شمشیر و جنگ توام با کشتار شدید» است (صدیقی، 1385: 11). در زبان‌های غربی، حماسه Epos به معنای «داستان و منظومه رزمی» یکی از انواع بزرگ ادبیات روایی یا نقلی Epic است (ر.ک. خالقی مطلق، 1386: 1).

نخستین تعریف جامعه تطبیقی از حماسه را ارسطو در فن شعر ارائه کرد. ارسطو حماسه یا متن حماسی را یکی از شاخه‌های انواع ادبی می‌داند و معتقد است که حماسه، یک نوع تقلید و محاکات بوسیله وزن است، از احوال و اطوار مردمان بزرگ و جدی که همواره وزنی واحد دارد و شیوه بیان آن نقل و روایت است (ر.ک. زرین کوب، 1361: 296-297). افزون بر این به نظر ارسطو حماسه مانند تراژدی، داستان اخلاق و رنج است که به عنوان وحدت ارگانیک بر یک موجود زنده تأثیر کاملی می‌گذارد (ر.ک. کفافی، 1389: 103).

از آنجا که حماسه به زندگی و اعمال شگفت‌انگیز پهلوانان می‌پردازد، آن را «شعر پهلوانی» نیز می‌گویند؛ به عبارت دیگر، «حماسه، نوعی ادبی است مبتنی بر توصیف رخداد‌های پهلوانی و اعمال دلآوری قهرمانان یک ملت با یک آیین و سنت که در راه حفظ آزادی و استقلال کشور می‌کوشند» (رزمجو، 1371: 3).

«حماسه شعری است داستانی و روایی با زمینه قهرمانی و صبغه قومی و ملی که حوادث بیرون از حد و عادت در آن جریان دارد» (شفیعی کدکنی، 1382:).

1-2-8-1. انواع حماسه

حماسه را به اعتبارهای گوناگون می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

از نظر موضوع و درونمایه

الف) حماسه‌های اسطوره‌ای. حماسه‌ اسطوره‌ای قدیم‌ترین و اصیل‌ترین نوع حماسه است. این‌گونه حماسه‌ها به دوران ما قبل تاریخ مربوط است و بر مبنای اساطیر شکل گرفته است. «در این حماسه‌ها همه‌چیز در حاله‌ای از افسانه و مِهی از افسون پوشیده شده است» (کزازی، 1388: 191)؛ به طور مثال حماسه‌ سومری گیل‌گمش¹ و قسمت‌هایی از *ایلیاد*² و *اودیسه*³، *رامایانا*⁴ و *مهابهاراتا*⁵، «مسیاد»⁶، «کلوپشتک»⁷، «نیبلونگن»⁸، مجموعه‌ حماسه‌های کهن «شانسون دوژست»⁹، *ایاتکار زیریران* و بخش بخش اول *شاهنامه* فردوسی (تا داستان فریدون) را نیز می‌توان جزو حماسه‌های اساطیری دانست (ر.ک. رزمجو، 1381: 28-31).

حماسه‌های اخلاقی: به نوعی همان حماسه‌های دینی هستند و حتی می‌توان به آنها حماسه فلسفی نیز گفت؛ زیرا در آنها مسایل ژرف تفکر بشری از قبیل مرگ و زندگی مطرح شده است؛ برای مثال می‌توان به *بهشت گمشده*¹⁰ و *بهشت مردود*¹¹ *میلتون*¹² اشاره کرد.

معمولاً اقوامی مانند یونانیان و ایرانیان باستان که دارای زندگی فعال بوده و پی‌درپی با اقوام دیگر جنگ یا صلح داشتند، حماسه‌ پهلوانی دارند؛ اما اقوامی مانند چینین و مصریان و هندیان باستان که فعالیت‌های برون مرزی نداشتند، بیشتر حماسه‌های دینی و فلسفی دارند. در ایران نیز پس از

¹ Gilgamesh

² Iliad

³ Odisey

⁴ Ramayana

⁵ Mahabharata

⁶ Messiad

⁷ Klopshtoch

⁸ Nieblungen

⁹ Chansons de geste

¹⁰ Paradise Lost

¹¹ Paradise Reqainet

¹² "John Milton" (1608-1674م)، شاعر و نویسنده انگلیسی

حملات غزان و مغولان و تیموریان، زندگی درونی بر زندگی بیرون قوم ایرانی غالب آمد و به تدریج حماسه‌های عرفانی، جای حماسه‌های پهلوانی را گرفت.

ب) حماسه‌های دینی: محور این حماسه‌ها حقایق تاریخی است که در آن زندگی و اعتقاد یک یا چند تن از قهرمانان دینی توصیف می‌شوند؛ مثل *کمدی الهی*¹ دانته²، *اردیبهشت‌نامه* سروش اصفهانی، اصفهانی، *مختارنامه* دنبلی، *حمله* حیدری محمد رفیع خان بازل، *خداوندنامه* صبای کاشی و نظایر آنها (ر.ک. رستگار فسایی، 1380: 338). برخی از محققان، بدین نوع حماسه، حماسه‌های اخلاقی گفته، و آثاری چون *مهابهاراتا* و *رامایانا* را برای آن مثال زده‌اند.

ج) حماسه‌های تاریخی: زمینه این‌گونه حماسه‌ها تاریخ است؛ مانند *شانسون دوژست* کهن، *گاهنامه‌های*³ «انیوس»⁴، *اورشلیم آزاد*⁵ «تاسه»⁶ و برخی از قسمت‌های «*نه‌اید*»⁷ ویرژیل⁸. در ادب فارسی نیز از این‌گونه منظومه‌های حماسی بسیار است؛ مانند *تَمَرنامَه* عبدالله هاتفی، *سالارنامه* شیخ احمد کرمانی، *ظفرنامه* حمدالله مستوفی، *شهنشاهنامه* صبای کاشانی، *اسکندرنامه* نظامی گنجوی و منظومه‌های نظایر آنها (ر.ک. واحد دوست، 1389: 267).

د) حماسه‌های عرفانی: این نوع حماسه که به شیوه تمثیلی سروده می‌شود، «بازآفرینی حماسه‌های اساطیری، ملی، فلسفی و مذهبی است که رزم آفاقی در آن به دوران و انفس مبدل شده است و در دوران جغرافیای بزرگ نفس و روح، نبرد در می‌گیرد چنانچه گاه گرد و غبار کشاکش قهرمان (روح) و ضد قهرمان (نفس) کم از برخاستن غبار جنگ‌های جغرافیایی طبیعت بیرون نیست» (قبادی، 1381: 9). قهرمانان حماسه‌های عرفانی پس از شکست دادن دیو نفس و طی سفری مخاطره‌آمیز در جاده

¹ Divine Comedi

² "Dante Alighieri" (1265-1321م)، شاعر ایتالیایی

³ Annales

⁴ "Quintus Ennius" (239-169 ق.م)، شاعر و نویسنده روم

⁵ Jerusalem Delivered

⁶ "Torquato Tasso" (1544-1595م)، شاعر ایتالیایی

⁷ Aeneid

⁸ "Virgil" (70-19 ق.م)، شاعر روم باستان

طریقت در نهایت به پیروزی که همانا حصول جاودانگی از طریق فناء فی الله است، دست می‌یابد؛ مثل حماسهٔ حلاج در *منطق الطیر عطار*، تذکره *الاولیا*، *ارداویراف‌نامه*، *سیرالعباد الی المعاد* سنایی غزنوی.

از لحاظ زمینه‌های به‌وجود آمدن حماسه

حماسه‌های طبیعی و ملی: «از فرایندهای اندیشگی، قریحه‌ها، علاقه‌ها و عواطف یک ملت است که در طی قرن‌ها و دوره‌ها تنها برای بیان جلوه‌های عظمت و نبوغ قوم به‌وجود آمده است و از یادگار جنگ‌ها و پهلوانی‌ها و جانفشانی‌ها و فداکاری‌ها انباشته است؛ و در عین حال از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور در قرن‌های معینی از دوره‌های حیاتی ایشان پراست» (واحد دوست، 1389: 266). این نوع حماسه‌ها، مؤلفی مشخصی ندارد، «بلکه یک ملت در تمام نسل‌ها، تدوین‌کنندهٔ آنهاست» (رزمجو، 1381: 32). در این آثار آیین و سنت و امور مهمّ یک ملت جمع است، اعمال شگفت‌انگیز پهلوانان توصیف می‌شود. از این‌گونه حماسه‌ها می‌توان *گیل‌گمش آشوری* - بابل، *ایلیاد* و *ادیسهٔ هومر*¹، *رامایانا* و *مهابهاراتا* متعلق به هندوان، *بئوولف*² آلمانی، *ایاتکار زریران*، *شاهنامهٔ فردوسی*، *گرشاسب‌نامهٔ اسدی طوسی*، *بهمن‌نامهٔ ایران‌شاه*، *ماناس* قرقیزی و نظایر آنها را نام برد.

حماسه‌های مصنوعی: این نوع حماسه‌ها تقلیدی است از حماسه‌های طبیعی که در آن حماسه‌سرا «با رعایت قواعد و قوانینی که در شعر حماسی در میان است» (صفا، 1384: 6)، به ابداع و ابتکار می‌پردازد و داستان حماسی را از پیش خود بازآفرینی می‌کند. در ادب اروپایی *انه‌اید* و *پیرژیل* و *هانریاد*³ ولتر⁴، در ادب ایرانی *شاهنامهٔ حضرت شاه اسماعیل*، سرودهٔ مولانا عبدالله هاتفی (ف 927 هـ ق) از این‌گونه حماسه‌ها هستند.

هم‌چنین حماسه را به دو قسمت دیگر نیز می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

¹ "Homer" (در قرن نهم ق. م می‌زیسته است)، شاعر و داستان‌سرای یونانی

² Biovolf

³ Henriade

⁴ "Voltaire" (1694 - 1778 م)، از نامدارترین فیلسوفان و نویسندگان فرانسوی عصر روشنگری

حماسه‌ای پهلوانی. در این نوع حماسه‌ها از زندگی و سرنوشت پهلوانان سخن رفته است.

حماسه پهلوانی ممکن است جنبه اساطیری داشته باشد؛ مثل زندگی رستم در شاهنامه و ممکن است جنبه تاریخی داشته باشد؛ مثل *ظفرنامه* حمدالله مستوفی و *شهنشاهنامه* صباي کاشانی که قهرمانان آنها وجود تاریخی داشته‌اند.

حماسه‌ای تخیلی جنبه تخیلی دارد همچون *شاهنامه* فردوسی، *انه/ید* و *یرژیل*، بهشت

گمشاده میلتن و ...

البته در تاریخ ادبیات کشورهای گوناگون ممکن است تمام این تقسیم‌بندی‌ها مصداق نداشته باشد.

1-2-8-2. ویژگی‌های حماسه

به طور کلی ویژگی‌های اصلی حماسه را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

1. **جنبه روایی و داستانی:** حماسه بر روایت مبتنی است و روایت مجال بیشتری برای تنوع

سبک و بیان حوادث مختلف در آن واحد دارد.

2. **پیرنگ منسجم.** جنبه روایی داستانی حماسه اگرچه اجزای بسیار دارد؛ ولی در عین حال

به یک وحدتی کامل برمی‌گردد.

3. **برخوردار بودن از وحدت کامل مفاهیم:** داستان حماسی از ترتیب و نظم خاصی

برخوردار است، به عبارت دیگر، هر حماسه «از یک نقطه یا نقاطی آغاز می‌شود و در یک نقطه یا

نقاطی پایان می‌پذیرد» (صفا، 1384: 4).

4. **جنبه اساطیری، تاریخی یا مذهبی و خرق عادت:** یک موضوع تاریخی که در روزگاری

صاحب حقیقت خارجی بود در نهایت شدت با اساطیر مذهبی و داستان‌ها و افسانه‌های ملی و خوارق

عادات آمیخته می‌شود؛ از افرادی سخن گفته می‌شود که از لحاظ جسمی و روحی از دیگران متمایزند

و قادر کارهای فوق‌العاده هستند؛ ولی در عین حال، صورت و نسق تاریخی دارد و عبارت است از یک

سلسلهٔ اعمال منظم و مرتب و مرتبط به پادشاهان و پهلوانان و افرادی که هر یک سرگذشتی معین دارند (ر.ک. صفا 1384: 10-11).

5. ابهام زمان و مکان: این خصیصه حاکی از آن است که حماسه‌ها مدت‌ها پس از حوادثی که از آنها سخن می‌گویند، پدید می‌آید. محور رخداد‌های حماسی به مکان و زمان معین محدود نیست، بلکه گاه تمام جهان را برمی‌گیرد. در حقیقت، هرچه روایات داستانی و اساطیری به تاریخ نزدیک‌تر می‌شود، ارزش حماسی آن کاسته می‌شود.

6. وجود سفرهایی ناگوار و مخاطره‌آمیز که یا اساس حرکت قهرمان است یا انتظام بخش رویدادهاست.

7. حضور یک هیئت مرکزی پهلوانی. بیشترین موضوع حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می‌دهد و وظیفهٔ شاعر حماسی آن است که تصویرساز انسان‌هایی باشد که هم از نظر نیروی مادی ممتازند و هم از لحاظ نیروی معنوی، قهرمانان حماسه با تمام رقتی که از نظر عاطفی و احساسی در آنها وجود دارد، قهرمانانی ملی هستند؛ قهرمان اصلی حماسه پهلوان و ابرمرد است که با اعمال شگفت‌آور سرنوشت قوم یا اندیشه‌ای را رقم می‌زند؛ چون رستم، ماناس، گیل‌گمش، آشیل و ...

8. وجود رویدادهای ناگوار و پرخطر و دل‌آورانۀ رزمی و عاشقانه‌ای.

9. جنبهٔ حماسی - ملی: حماسه هم به معرفت متکی است و هم زایندهٔ هویت. حوادث قهرمانی که به منزله تاریخ خیالی یک ملت است در بستری از واقعیات جریان دارد. واقعیاتی که ویژگی‌های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسائل فکری و مذهبی در برمی‌گیرد. «ضمن توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های قوم، نشان‌دهندهٔ عقاید و آرا و سنت‌های پسندیده فرهنگ و تمدن آن ملت نیز باشد و این خصوصیات معنایی و بنیادین در تمام حماسه‌های معروف حماسی جهان موجود است» (رزمجو، 1381، 1: 26).

10. همه‌جایی و در هر زمانی آن: «حماسه اگرچه از وقایع بسیار کهن سخن می‌راند، اشتراکی عمده با مسایل واقعی عصر شاعر و مردم روزگاران بعد دارد و به همین دلیل از واقعیت‌ها سرشار است» (رستگار فسایی، 1380: 337)؛ به طور مثال شاهنامه فردوسی (تا عهد ساسانی) به قرن‌های بسیار کهن که از دوره‌های پیش از اوستا تا اواسط عهد اشکانی ممتد است، مربوط می‌شود.

11. حضور ضد قهرمان؛

12. یک رویگی شخصیت: قهرمان سرشار از سادگی و صداقت است.

13. پیشگویی: اعتماد به نفس و ایمان و اشراف قهرمان به آینده.

1-8-2-3. ویژگی‌های سبکی و زبانی حماسه

1. فصاحت کلام، سبک عالی و لحنی مطمئن و پر آب و تاب و مبالغه‌آمیز؛
2. توصیف‌های مستقیم و روشن و صریح؛
3. تکرار بخش‌های بسیار بلند روایت یا گفتگو، گفتارهای طولانی و بسط یافته و گاه همراه با اطناب، مگر در بخش‌هایی که جنبه حکمی به خود بگیرد؛
4. چشم‌اندازهای وسیع تصویرهای کلام؛
5. صور خیال اغراق‌آمیز؛
6. پرداخت ماهرانه دیدارها و برخوردها؛
7. غلبه تشبیه سپس کنایه در مقابل استعاره و سایر تصاویر؛
8. به کارگیری فراوان عناصر طبیعت.

1-8-3. حماسه و اسطوره

میان اسطوره و حماسه پیوند استوار وجود دارد. «حماسه به صورت ادبی و روایی مدون و منظم اسطوره تلقی می‌شود... و از درون اسطوره بیرون می‌آید» (آیدنلو، 1388: 25). «اسطوره همیشه

به صورت روایت نیست، بلکه می‌تواند به گونه‌ی نقش و نگار درآید» (اسماعیل پور، 1387: 30). شعر حماسی روایتگر افتخارات ملی مردم و قهرمانی‌هایی آنهاست در حالی که اسطوره از هستی‌شناسی و خودشناسی انسان کهن سخن می‌گوید. اساطیر در یک دنیای نیمه‌الهی اتفاق می‌افتد در حالی که وقایع حماسه براساس واقعی‌تر اتفاق می‌افتد.

1-8-4. حماسه و تراژدی

بخشی از رساله‌ی فن شعر ارسطو به مقایسه‌ی تراژدی و حماسه اختصاص دارد. در این بخش ارسطو چنین مطرح می‌کند که حماسه با تراژدی مشابهت دارد؛ اما مشابهتی که حماسه با اثر تراژدی دارد، در این است که هر دو از موضوعات جدی تقلید می‌کنند و کلام سنگین به کار می‌برند؛ اما اختلاف حماسه با تراژدی از این بابت است که سراسر در یک وزن است و شیوه بیان آن نیز بر خلاف تراژدی، نقل و روایت است نه فعل و عمل؛ هم‌چنین حماسه از لحاظ زمان محدود نیست، در حالی که برای تراژدی زمان محدود است. عناصر و اجزائی که در حماسه هست، در تراژدی هم موجود است (ر.ک. زرین کوب، 1361: 296-298).

1-8-5. کهن‌الگو (نمونه‌ی اولیه)

کهن‌الگو (به یونانی archetypes، مرکب از arche، به معنی اصل و اساس، و typos، به معنی مثال و نمونه - مثل اعلی، صنم عقلی)، از اصطلاحات رایج در روان‌شناسی کارل گوستاو یونگ است. یونگ روان انسان را به سه بخش «خودآگاه»، «نیمه‌آگاه» و «ناخودآگاه» تقسیم می‌کند. «بخش خودآگاه، آن قسمت از ذهن است که در واقع فعالیت آگاهانه‌ی خود را با آن انجام می‌دهیم. بخش نیمه‌آگاه آن قسمت از فرایندهای ذهنی است که اگر چه فراموش شده یا از فعالیت آن آگاهی نداریم، اما به راحتی به سطح خود آگاه می‌آید. بخش ناخودآگاه آن قسمت از ذهن و فعالیت‌های ذهنی است که از وجود آن آگاهی نداریم؛ اما تأثیر خود بدون اراده و اختیار ما، بر رفتار و تصورات ما می‌نهد» (یونگ،